این را ببینید، از من در مورد ریختن خون پشه می پرسد درحالی که فرزند رسول الله صلی الله علیه وسلم را کشته اند؛ حال آنکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: «حسن و حسین، گلهای خوشبوی من در دنیا هستند».

از ابن ابی نعیم روایت است که می گوید: من ابن عمر را می دیدم که مردی از او درباره ی ریختن خون پشه ای (در حالت احرام) پرسید؛ ابن عمر گفت: تو از کدام مردمی؟ وی گفت: من از اهل عراق هستم؛ ابن عمر گفت: این را ببینید، از من در مورد ریختن خون پشه می پرسد درحالی که فرزند رسول الله صلی الله علیه وسلم را کشته اند؛ حال آنکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: «هُمَا رَيْحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا»: «حسن و حسین، گلهای خوشبوی من در دنیا هستند».

[صحیح است] [به روایت بخاری]

مردی از اهل عراق از ابن عمر رضی الله عنهما سوال می کند: آیا برای کسی جایز است در حالت احرام حشرات کوچک و مضر مانند پشه را بکشد؟ و ابن عمر رضی الله عنه شگفت زده از توجه امثال این شخص به امور کوچک و ناچیز در کنار جرات شان بر ارتکاب کبائر می گوید: «این را ببینید، از من در مورد ریختن خون پشه می پرسد درحالی که فرزند رسول الله صلی الله علیه وسلم را کشته اند». یعنی مرتکب امور هلاک کننده می شوند و بر کشتن نوه ی رسول الله صلی الله علیه وسلم جرات می یابند و با این همه اظهار کمال تقوا و پارسایی در مناسک شان می کنند و از کشتن پشه می پرسند؛ سپس می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هُمَا رَيْحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا»: «حسن و حسین، گلهای خوشبوی من در دنیا هستند». یعنی آنها فرزندان من هستند که آنان را بو می کنم و می بوسم گویا از جمله گلهای خوشبویی هستند که مردم می بویند.

http://sunnah.global/hadeeth/fa/show/11170